

تاریخ دریافت: ۹۷/۱/۲۴

فصلنامه علمی عرفان اسلامی

تاریخ پذیرش: ۹۷/۶/۲۰

سال شانزدهم، شماره ۶۴، تابستان ۹۹

نسبت سنجی حسن نیت در فقه امامیه و عرفان اسلامی

احمد باقری^۱

حسین داورزنی^۲

محمد رضا شجاعی^۳

چکیده

یکی از مفاهیم مبهمی که در زمان ما خودنمایی می‌کند مسأله حسن نیت است. حسن نیت یک مفهوم اخلاقی است که تأکیدات فراوانی بر آن شده است اما عدم شناخت دقیق آن و بخصوص معلوم نکردن حدود و ثغور آن، سبب شده است که از یک سو، معتقدین به این مفهوم محل به کارگیری آن را در برخی علوم نشناخته و در این زمینه به خطا روند و از سوی دیگر در جنبه دینی معطوف به فقه، نتوانیم جایگاه حسن نیت را و اینکه این مفهوم اخلاقی دقیقاً چه نسبتی با معنای آن در فقه ما دارد دریابیم. در متون عرفانی، حسن نیت، مقصود درونی از انجام عمل است. حسن نیت از مفاهیمی است که در سنجش اعتبار و ارزش اعمال، بسیار اهمیت دارد و در متون عرفانی، میزان سنجش اعتبار و ارزش اعمال به شمار رفته است. اما ورود گسترده مباحث مرتبط با حسن نیت از غرب که خود مرتبط با دو مفهوم اساسی اخلاق حسنه و نظم عمومی است باعث خلط مباحث و تفاسیر ناصواب در این زمینه نیز شده است که نوشته حاضر در صدد پاسخ به این ابهامات با بررسی رابطه مفهوم حسن نیت در علم اخلاق، عرفان و حقوق اسلام است.

کلید واژه‌ها:

حسن نیت، سوء نیت، اخلاق حسنه، نظم عمومی.

پروژه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

^۱ - استاد تمام رشته فقه و مبانی حقوق، پردیس البرز دانشگاه تهران، تهران، ایران. نویسنده مسئول: bagheri@ut.ac.ir

^۲ - استادیار رشته فقه و مبانی حقوق، پردیس البرز دانشگاه تهران، تهران، ایران.

^۳ - دانشجوی رشته فقه و مبانی حقوق، پردیس البرز دانشگاه تهران، تهران، ایران.

پیشگفتار

۱- مقدمه

حسن نیت یا حسن ظن از مفاهیمی است که محل بحث از آن علم اخلاق است. حسن نیت مفهومی است که به صورت کلی در منظومه دین جایگاهی ویژه و مستحکم دارد. ابن عربشاه به نقل از برخی حکماء^۱ آورده است: علم دارای اعضایی است که سر آن تواضع و مغز آن معرفت و زبان او راستی و قلبش حسن نیت و دوستان او رحمت است و... (ابن عربشاه، ۱۴۲۱: ۵۲۱) برخی نیز گفته‌اند: راس حکمت طاعت خداوند و مقدم داشتن حسن نیت در هر کار است. (ابن عبدالبر، ۱۹۸۱: ۴۴۵/۲) بر این اساس، حسن نیت امری ممدوح و مطلوب است که جایگاه بلندی را نیز برای آن ترسیم کرده‌اند.

از سوی دیگر و با تأکیدات فراوانی که بر رعایت حسن ظن در روابط اشخاص شده است ما شاهد این هستیم که در فقه، بسیاری از احکام وجود دارد که هر چند از سوی فقهاء تأکید شده اما حتی اشاره‌ای به اثر حسن نیت در به وجود آمدن آن نیز نشده. با این حال اثر ایجابی حسن نیت بر احکام مبرهن است مانند اثبات زنا، که در آن حسن نیت بسیاری را در احکام نسبت به عدم مجرمیت زناکار می‌بینیم. اما در احکام دیگری نیز شاهد هستیم که احکامی وجود دارند که نه تنها دلالت بر حسن ظن ندارند بلکه تنافر تامی با حسن نیت را در ذهن تداعی می‌کند مانند کسی که مالی از غاصب خریده و او را در هر صورت با رجوع مالک مسئول جبران خسارت می‌دانند.

وجود چنین وضعیتی در فقه ما و جایگاه مبهم حسن نیت در آن که ناشی از ابهام در چگونگی رابطه معنایی حسن نیت در اخلاق و فقه است، سبب شده است بسیاری از کسانی که قصد کنکاش در مسائلی مانند نظم عمومی یا اخلاق حسنه را دارند نتوانند مرزبندی و شاخصه‌های آن را فهم کرده و از خلط مباحث در این امور دور بمانند. مسأله بسیار مهم دیگر که به تبع همین ابهام و در مطالعات تطبیقی خودنمایی می‌کند گسترش روزافزون بحث از حسن نیت در علم حقوق و مشخص نبودن موضع دقیق حقوق اسلام در این مورد است.

۲- تعریف حسن نیت

عبارت حسن نیت مرکب از دو واژه است که شامل حسن و نیت می‌شود. در مورد حسن گفته

^۱ - منظور او از برخی حکماء امام صادق(ع) است که در کتاب کافی این حدیث را از ایشان نقل شده است. نک: کلینی، الکافی، دارالکتب الإسلامیة، ج ۲، ص ۴۸، چهارم، ۱۴۰۷ ق.

شده است: الحُسْنُ: نَقِيضُ القُبْحِ؛ و الجمع مَحَاسِنٌ. حسن مخالف قبح و زشتی است و جمع آن محاسن است. (جوهری: ۱۴۱۰، ۲۰۹۹/۵) فالحُسْنُ ضِدُّ القَبْحِ يقال رجلٌ حسنٌ و امرأَةٌ حسناءٌ. حسن ضد قبح است و گفته می‌شود مرد نیکو یا زن خوب. (ابن فارس: ۱۴۰۴: ۵۷/۲) الحُسْنُ: نَعْتُ لِمَا حَسُنَ. حسن نعت کسی است که خوب است. (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ۴۸۷/۲) الحُسْنُ: عبارة عن كلِّ مَبْهَجٍ مَرْغُوبٍ فِيهِ. حسن هر چیز سرور آفرینی است که نسبت به آن تمایل وجود دارد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۳۵)

در مورد معنای لغوی نیت نیز گفته شده است: نوى الأمرِ نِيَّةٌ: أى أضمَره و عقد عليه. قال النبى (ع): إنما الأعمال بالنيات، و لكل امرئ ما نوى. (حمیری، ۱۴۲۰، ۶۸۰۲/۱۰) نوى الأمرِ نِيَّةٌ بمعنای پنهان ساختن قصد و بستن عقد بر اساس آن است. چنانکه حضرت رسول (ص) فرمودند: اعمال مطابق نیت است و هر کس نیتی دارد. و نَوَيْتُ كَذَا: أى قَصَدْتَهُ. (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ۴۲۰/۱۰) و نَوَيْتُ كَذَا یعنی قصد چیزی را کرد. نَوَيْتُهُ: (أَنْوَيْتُهُ) قَصَدْتُهُ (فیومی، بی تا: ۶۳۱/۲) چنانکه نَوَيْتُهُ به معنای اَنْوَيْتُهُ و قصد کردن یک چیز است. در واقع نیت عبارت است از برانگیخته شدن نفس و میل و توجه آن به چیزی که غرض و مطلب است یا در دنیا و یا در عقبا. (فیض کاشانی، ۱۳۸۷: ۴۰۴ و ۴۰۵) یا نیت به معنای وسیع کلمه، حرکتی است که بدان وسیله اراده به سوی کار معینی، - خواه برای فراهم کردن، یا برای رسیدن به آن - رو می‌آورد. (دراز: ۱۳۸۷: ۵۰۰)

بر این اساس، حسن نیت به معنای قصد نیکو و داشتن اراده خوب در مورد دیگران است. اخلاقیون در کتب خود به ندرت به تعریف حسن نیت و یا واژه متضاد آن یعنی سوء نیت و مترادفات آنها پرداخته‌اند. چنین رویکردی در این وضعیت چندان هم قابل انتقاد نیست زیرا مسلماً در جامعه‌ای که دین مبنای فکری مردمانش بوده است و در تمام زوایای زندگی آنان نقش آفرینی کرده، ارائه تعریف دقیق از این مفاهیم شاید چندان لازم نبوده است و حتی ممکن است به دلیل معلوم بودن چنین مفهومی برای ایشان، دست به تعریف آن نزده باشند. باید دقت کرد که خوش بینی به معنای خوش باوری نیست.

۳- جایگاه حسن نیت در اخلاق

۳-۱- انواع حسن نیت

اما حسن ظن خود بر دو نوع است و هر دو مورد آن نیز مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است؛ نوعی از آن حسن ظن نسبت به خداست که با توجه به جایگاه بسیار عالی خداوند متعال و منشاء تمام خوبی‌ها بودن او در دین اسلام، چنین امری طبیعی است. از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: حسن ظنّ به خدا این است که به غیر خدا امیدوار نباشی و جز از گناهانت نترسی. (فیض

کاشانی، ۱۳۷۲: ۳۱۹/۷) رجاء یعنی حسن ظن به خدا داشتن و در هر مرتبه متوقع رحمت او بودن و به مضمون لا تقنطوا اذعان نمودن، و بر این اصل متفرع است عدم یأس از رحمت الهی. (شهید ثانی، ۱۳۷۷: ۱۲)

در مورد نوع دوم حسن ظن، که حسن ظن به خلق است نیز تمجید بسیاری وارد شده و گفته‌اند: حسن ظن و گمان خوب، با دیده خوش‌بینی به مردم نگرستن و نظر خوب به مردم داشتن است. اگر دیدید کسی کاری انجام داد که دو پهلوست، هم می‌توان آن را خوب دانست و هم می‌توان بدش پنداشت. حسن ظن و خوش‌گمانی آن است که به رفتار او از دیده درستی و پسندیدگی نگریسته شود و او را بدکار نخوانند. (صدر، ۱۳۷۹: ۳۰۰) حسن ظن در مورد مسلمان این است که عمل مسلمان را بر بطلان و فساد حمل نکنی. (کاشف الغطاء، ۱۳۸۱: ۲۷۷/۲) همچنین در کتب اخلاقی آمده است: از بزرگمهر سؤال کردند: ای الناس اولی بالسعادة؟ قال: اقلهم ذنوبا. گفتند دین خدا چیست؟ و دین شیطان چیست؟ گفت دین خدا احسان است و حسن نیت، و دین شیطان سیئات است و خست نیت. گفتند حسن نیت چیست؟ گفت راه میانه گرفتن و در احوال احتیاط واجب داشتن و جوانمردی کردن. (ناشناخته، ۱۳۷۷: ۱۲۳) برخی از اخلاقیون نیز هر دو این موارد را در تعریف خود آورده‌اند و گفته‌اند: حسن نیت همچنان که مذکور شد ضد بدگمانی به خدا و خلق، و حسن ظن به آنها است. (نراقی، ۱۳۷۸: ۲۳۶)

چنانکه در تعاریف حسن نیت آمد حسن نیت داشتن نه تنها نسبت به خداوند باید وجود داشته باشد بلکه نسبت به انسان‌های عادی نیز تأکیدات فراوانی بر حسن نیت داشتن وجود دارد. بنابراین حسن نیت داشتن ذاتا امری مطلوب است و یک مسلمان واقعی فردی خوش بین و امیدوار است.

۳-۲- جایگاه انواع حسن نیت

۳-۲-۱- حسن نیت به خدا

بهترین نوع از حسن نیت که در مورد آن سفارشات بسیار شده و صراحتا از آن نام برده شده، حسن نیت نسبت به خداوند کریم است. امام صادق (ع) حسن نیت به خداوند متعال را عبادت دانسته‌اند، (ورام، ۱۳۶۹: ۱۱۵) و پیامبر اکرم (ص) آن را از بهترین عبادت دانسته‌اند. (ابشیهی، ۱۹۹۹: ۳۲) علت چنین توجه و دیدگاهی نسبت به حسن نیت به طرزی زیبا در حدیثی دیگر آمده است. امام محمد باقر (ع) از قول حضرت رسول (ع) در قسمتی از روایتی بلند در این مورد فرموده‌اند: نباید آنها که عمل می‌کنند به اعمال خود تکیه کنند. همان اعمالی که برای درک ثواب از من می‌کنند زیرا اگر آنها خود را رنج دهند و عمرشان را در عبادت من به سر برند بازهم در پرستش من تقصیر کارند و به کنه عبادت من نرسند در آنچه جویند از کرامت و نعمت من در بهشت و درجات بلند در

جوار من، ولی باید به رحمت من اعتماد کنند و به فضل و بخشش من شاد باشند و به حسن ظن و خوشبینی به من اطمینان کنند زیرا در این صورت رحمت من آنان را جبران کند و بخشش من به آنها برسد. با رضوانم و آمرزش من به آنها جامه عفو در پوشد زیرا منم خدای بخشاینده و مهربان و بدان نامیده شدم. (کلینی، ۱۳۷۵: ۱۹۳/۴)

نکته جالب این است که کرامت حق تعالی در فراز قبل از سر قدرت انحصاری خداوند و از جهت بخشندگی یک قوی بر ضعیف نیست بلکه این رحمت خداوند ناشی از یکی از صفات نیک دیگر است هر چند که حتی اگر خداوند قادر، عادلانه داوری کرده و بندگان را عقاب کند باز همین هم مستوجب حمد است اما آنچه که به عنوان اخلاق از سوی خداوند جبار توصیه فراوان شده است در خود او بیش از همه جلوه داشته و سرمشقی برای روابط انسانی است که چگونه در امور فقهی و یا حقوقی که انعطاف در آنها در بسیاری موارد رعایت نمی‌شود می‌تواند در روابط شخصی رعایت گردد.

از معصوم (ع) روایت شده است: هرگز بنده مؤمنی به خداوند عزیز و جلیل حسن ظن نشان نمی‌دهد مگر آنکه خداوند متعال با او بر اساس همان ظن و گمان نیکش رفتاری نماید چون خداوند، کریم است و شرم دارد از اینکه با گمان و امید بنده‌اش مخالفت کند. بنابراین گمانتان را به خداوند نیک گردانید و به سوی او میل و رغبت نشان دهید که خودش می‌فرماید: **الظَّائِنُ بِاللَّهِ ظَنٌّ السَّوِّءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوِّءِ وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ**. (ابن‌فهدحلی، ۱۳۷۵: ۲۵۰) به همین جهت در مورد روایت امام صادق (ع) که فرمودند: **حسن النیة بالطاعة** گفته شده معنای آن این است که عبادت صحیح و مقبول آن است که با حسن نیت باشد. خالص باشد و ریا و سمعه نداشته باشد و مانند آنها نداشته باشد و همراه با اطاعت از ائمه حق (ع) باشد. (مجلسی، بی‌تا: ۲۵۴/۶۷)

حسن ظن به حق تعالی، دلیل بر کمال ایمان و معرفت است و سوءظن، دلیل بر نقصان آنهاست چه اگر بنده مؤمن، عارف شود بر غنای حق - جل و علا - از ما سوای خود و از طاعت عباد و بداند آنکه وجود آنها و طاعاتشان ذره‌ای در ملک حق تعالی باعث کمال و زیادتی نیست و همچنین معاصی ایشان بلکه عدمشان ذره‌ای باعث قصور در مملکت او نمی‌گردد خواهد دانست که طاعات صاحبان طاعات را مقداری در نزد او نباشد و حاصل و ثمره از برای خداوند در وجود و طاعات ایشان نیست. (میرزاابابشیرازی، ۱۳۶۳: ۶۰۵/۲) بنابراین برای رسیدن به غایت انسانیت از همه راه‌ها آسان‌تر و نتیجه‌بخش‌تر، حسن ظن به خداوند است چرا که رفتار خداوند با بندگان متناسب است با گمان‌های آنان نسبت به وی. اگر بنده حسن ظن به خداوند داشت پاداش خیر و نیک دریافت می‌کند و اگر بدگمان بود نتیجه شر و بدی نصیب‌اش خواهد شد. (بحرانی، ۱۳۷۹: ۳۳)

۳-۲-۲- حسن نیت به خلق

در کلامی از امیرالمومنین (ع) آمده است: حسن النیة من سلامة الطویة. نیکویی نیت و قصد از سلامتی نهران است یعنی ناشی از سلامتی و خوبی باطن و خوی‌ها و اخلاق می‌شود. (آقاجمال-خوانساری، ۱۳۶۶: ۳/۳۸۴) فکر نیکو داشتن نسبت به دیگران امری است که جدا از شخصیت و درونیات انسان نیست به این معنا که فرد هر مقدار دارای سلامت نفس و پاکی درون باشد دیگران را نیز مانند خود می‌بیند و نمی‌تواند آنها را چنان تصور کند که خود نیست. در واقع هر فرد به مقداری که خود خوب است دیگران را نیز معمولاً انسان‌های خوبی می‌بیند مگر خلاف این امر بر او ثابت شود و این خصیصه را می‌توان به هر خلق نیکی تسری داد. به همین جهت از امام صادق (ع) نقل شده است: حسن الظنّ اصله من حسن ایمان المرء و سلامة صدره: حسن ظنّ و گمان نیک، ناشی می‌شود از حسن ایمان، هر چند آدمی ایمانش قایم‌تر است و سینه‌اش از تیرگی و سیاهی سالم‌تر است حسن ظنّ او به خدا بیش‌تر است. (شهیدثانی، ۱۳۷۷: ۵۱۶)

در واقع یکی از ثمرات ایمان به خدا و عرفان و از معیارهای بلوغ در دینداری واقعی، حسن ظن به خداوند قادر و مردم است و در میان فضائل اخلاقی فراوانی که وجود دارد یکی از سنگ محک‌ها و ترازوهای رشد آنها را حسن ظن قرار داده و حتی برخی آن را از اجزای دین دانسته‌اند. (مسکویه، ۱۳۵۸: ۳۰) غالباً نیز اینگونه است که کسانی که بدبین به دیگران نیستند و دیگران را قضاوت نکرده و نیت و فکر خوب نسبت به دیگران دارند در سلامت نفس و دل و سبقت از دیگران در حسنات اخلاقی پیشرو هستند. تا جایی که برخی آن را در کنار اخلاق خوش و مواظبت بر اوقات نماز موجب صحت عمل و حصول خیر عظیم و به دست آوردن کلیدهای دنیا و آخرت دانسته‌اند. (بونوی، ۱۴۲۷: ۲۸۸) و به همین علت امام زین العابدین (ع) چنین دعا کرده‌اند که: وَ اَثِرُ لَهٗ حُسْنِ النِّيَّةِ، یعنی نیت و انگیزه او را نیکو گردان. (صحیفه سجادیه، ۱۳۸۶: ۹۷)

حسن ظن به مسلمانان، اصلی است ثابت در دین و تکلف تعرف فساد، منهی عنه است بلکه متشابهات را نیز بر یکدیگر محکم نگیرند. بلکه به اشاره تنبیه کنند اگر بازایستد و الا بگذرانند مگر آنکه از او فهمیده باشند که این مؤاخذه را می‌خواهد تا بر یکدیگر ثقیل نباشند. (فیض کاشانی، ۱۳۷۱: ۲۱۳) بنابراین بر هر بنده لازم است که: گمان بد به هیچ یک از مسلمین نبرد و گفتار و کردار ایشان را حمل بر بدی ننماید بلکه هر عملی از هر که می‌بیند و هر سخنی از هر که می‌شنود باید آن را به بهترین محامل حمل کند و تکذیب او را نکند و اگر احتمال بدی به خاطر او گذرد و هم خود را خطاکار شمرد و خود را بر آن ندارد تا چون چندی گذرد این صفت ملکه او می‌شود و بدگمانی از خاطر او مرتفع می‌گردد. (نراقی، ۱۳۷۸: ۲۳۶)

البته نوع دیگری از حسن ظن نیز وجود دارد که در آن فرد به خود حسن ظن دارد. این امر اگر تا حدی باشد که باعث حفظ عزت و کرامت مومن شود اشکال نداشته و حتی ضروری است اما اگر بیش از حد خود شود موجب خطر است چنانکه گفته شده است: کسی که تکبر می کند کسی که به بعضی از مفاخر یاد شده دسترسی دارد بر کسی که به آن دسترسی ندارد یا بر کسی که به اعتقاد وی پایین تر از اوست احتجاج می کند و بسا که در پیشگاه خدای متعال مانند او یا برتر از او باشد مانند عالمی که به علم خود تکبر می کند بر کسی که دانایان از اوست، چون خود را اعلم می داند و به خودش حسن ظن دارد. (فیض کاشانی، ۱۳۷۲: ۳۴۷/۶)

۴- جایگاه حسن نیت در فقه

در بسیاری از تعاملات فقهی، هر کس که به هر عنوان با دیگری مناسباتی در محدوده امور فقهی یافته است، چه به عنوان طرف معامله و یا در امری جزایی و یا به عنوان قاضی و هر مورد متصور دیگر، به دلیل عدم آگاهی کافی نسبت به طرف خود نحوه تعامل خاصی را ممکن است داشته باشد اما این حالت باید با پیش فرضی توأم با حسن نیت باشد. بنابراین در مورد هر کس یا عملش، در حالت عادی، بهتر است حسن ظن داشته باشیم.

به همین جهت در فقه امامیه نیز برخی سخن از حسن نیت آورده اند و آن را در احکام خمس به تکلیفیه آورده و حسن نیت و حسن ظن را مطلقاً امری مستحب دانسته اند. (شیخ حرعاملی، ۱۴۱۲: ۱۰۴/۳) حسن ظن، اعتقاد به این است که در مورد کارهای دیگران با فکری نیکو نسبت به کارش برخورد شود و اعتقاد به صحت عمل او داشته باشیم بدون اینکه به مسائل بیرونی توجهی کنیم. این یعنی ظن و اعتقاد هر چند امری غیر اختیاری است اما مقدماتش مانند پالایش نفس و تمرین بر دست یافتن به آن اختیاری است بنابراین دستیابی آن از طریق تکلیف به اسباب دستیابی به آن میسر است. (روحانی، ۱۴۱۳: ۹۲/۷)

نیت از مسائلی است که در هر عمل فقهی ارادی و حتی اعمال مرتبط با احکام فقهی خودنمایی می کند. در تعریف نیت آمده است: نیت عبارت است از همان داعی بر فعل که آدمی را به عمل و می دارد نه خصوص گذراندن به خاطر یا گفتن به زبان. (میرزای قمی، ۱۴۱۳: ۱۰۸/۱) و یا نیت یعنی خطور در ذهن و وجود ذهنی دادن برای عملی که برای خداوند متعال می خواهد انجام دهد. (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱: ۳۵۷/۲)

۴-۱- نیت در عبادات

اما بحث از نیت در فقه امامیه در قدم اول به دو دسته تقسیم می شود: یکی اعمال عبادی که نیت

در آن واجب است و دسته دیگر امثال معاملات و جزائیات است که وجوب نیت در آنها متنفی است. البته این به معنای غیرممکن بودن داشتن نیت در مورد آنها نیست. در اعمال عبادی، نیت امر بسیار مهمی است زیرا اگر نیت مطلوب شارع در آن رعایت نشود مانند این است که هیچ کاری انجام نشده باشد.

نیت که در عبادت شرط است غیر از قصد به جای آوردن فعل است زیرا هر فعل اختیاری چه عبادی باشد یا غیر عبادی، بدون قصد امکان تحقق پیدا نمی‌کند و اثر ندارد. پس نیت چیزی است علاوه بر قصد، چه مضافا به اینکه باید عبادت به علاوه باید تعیین کننده نوع عبادت نیز باشد که مثلا نماز ظهر است یا عصر، و واجب است یا مندوب، اداء است یا قضاء و غیره. بسیاری از قدما گفته‌اند: نیت، خطور دادن عمل عبادی است در ذهن و قلب؛ یعنی تا وقتی مکلف به عبادت مشغول است این خطور قلبی باید وجود داشته باشد. چنین کاری عاداتا غیر ممکن یا بسیار دشوار است زیرا حواس انسان هر لحظه ممکن است به این سو و آن سو متوجه گردد و خطور ببال، یعنی یاد داشتن در دل را فعلا از دست بدهد و به همین لحاظ است که آنان استدامه حکمی، نه استدامه حقیقی را کافی دانسته‌اند. استدامه حکمی به این معناست که مکلف در حال عبادت نیتی نکند که با نیت اول او که انجام عبادت است منافات داشته باشد. متاخرین می‌گویند که نیت معتبر در عبادت، وجود انگیزه و داعی بر آن عبادت است. انگیزه عاملی است که انسان را به انجام دادن عمل می‌خواند به گونه‌ای که هر وقت از وی بپرسند که چه کاری انجام می‌دهد و برای چه آن را انجام می‌دهد بگوید: عبادت برای خدا و امثال امر او و این انگیزه از آغاز اتیان عمل عبادی تا پایان حقیقتا وجود داشته باشد. (فیض، ۱۳۶۹: ۳۵۸)

بنابراین برای انجام یک عمل صحیح عبادی نیت لازم است و برای رسیدن به بالاترین کیفیت در عبادت فقهی، حسن نیت لازم است چنانکه در مورد اعتکاف گفته شده است: رسیدن به درجات بالا به وسیله اعتکاف جز با اخلاص و حسن نیت از ابتدای اعتکاف تا انتهای آن حاصل نمی‌شود. (صدر، ۱۴۲۰: ۳۶۷/۲)

برخی فقهای اهل سنت نقش حسن نیت را در احکام خود بسیار پر رنگ کرده‌اند به طوری که حتی با استناد به حسن نیت فاعل در انجام فعلی که حرام می‌دانند آن را نه تنها مجاز می‌دانند بلکه آن را از عبادات نیز دانسته‌اند- چنانکه با دستاویز استحسان معمولا صدور چنین احکامی دور از ذهن نیست- خوارزمی در کتاب کافی آن را آورده است. اگر نیت کند که با آن قلب خود را به سمت طاعت الهی سوق دهد در زمره طاعات است و اگر بخواهد غنا نیروی بیشتری برای انجام دادن گناه به وی ببخشد و وی را بر ارتکاب معصیت تقویت کند حرام است. ابن حزم و غزالی بر

این نظرند. (مختاری و صادقی، ۱۴۱۹: ۲۳۱۶/۳)

۴-۲- حسن نیت در اعمال حقوقی

در انجام عقود و ایقاعات ضرورتی برای حسن نیت و یا حتی ابراز نیت و یا حسن نیت داشتن وجود ندارد یعنی فرد می‌تواند معاملاتی انجام دهد و سوء نیتی نیز از انجام معامله و قرارداد داشته باشد. مثلاً ممکن است کسی زنش را طلاق دهد به خاطر لجبازی یا پدرزنش. در چنین موردی بر عکس بحث عبادات نداشتن نیت درست، دلیل بر بطلان عمل طالق نمی‌شود یا ممکن است فردی عقد کفالت ببندد کفیل دیگری شود به این قصد که او را فراری دهد که در اینجا هم سوء نیت کفیل سبب خدشه به خود عقد کفالت نیست.

البته فرد از نظر داشتن سوء نیت خود معاقب است و حتی گفته شده این انگیزه یک و نداشتن حسن نیت یک ظلم قبیح است. (کاشف الغطاء، ۱۳۸۱: ۲۷۳/۱) و مروی است که: کسی که مالی از دیگری بر سبیل دین بگیرد و نیت ادا کردن نداشته باشد به منزله دزد خواهد بود. (نراقی، ۱۴۲۵: ۲۸۰) از انگیزه در قانون مدنی هم که متخذ از فقه امامیه است به عنوان جهت معامله یاد شده و گفته‌اند: جهت معامله عبارت از داعی است که قبل از معامله در هر یک از متعاملین پیدا می‌شود و سبب انجام معامله می‌گردد، مثلاً کسی که مقروض است خانه خود را می‌فروشد تا قرض خود را ادا نماید. جهت فروش خانه تأدیه دین است. جهت امری است که هر یک از متعاملین قبل از معامله تصور می‌نمایند تا به وسیله انجام معامله بتوانند آن را در خارج ایجاد نمایند. جهت متعاملین را بر می‌انگیزد که معامله را انجام دهند تا بتوانند به منظور خود نائل گردند. بنابراین جهت قبل از معامله تصور می‌شود و پس از معامله ممکن است در خارج ایجاد گردد. (امامی، بی‌تا: ۲۱۵/۱) کسی که معامله می‌نماید لازم نیست به طرف خود بگوید داعی او بر انجام معامله چیست و برای رسیدن به چه منظوری معامله می‌نماید زیرا دانستن داعی معامل بر انجام معامله، تأثیری در ماهیت معامله ندارد و متعامل نیز از آن هیچ گونه انتفاعی نمی‌برد ولی هرگاه معامل داعی خود را در عقد بیان نماید. (امامی، پیشین: ۲۱۶) به وجود آمدن چنین حالاتی با توجه به نصوص شرعی باعث حرمت وضعی؛ یعنی فساد معامله نمی‌شود اما از نظر تکلیفی چنین کاری حرام است. (خوانساری، ۱۴۰۵: ۱۲۳)

بنابراین جهت معامله را نمی‌توان جزء یا قید موضوع عقد دانست زیرا موضوع عقد، مورد تحقق اثر حقوقی عقد است و جهت عقد، امری خارج از آن است. (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱: ۲۶۸/۲) در هر صورت نیت در انجام هر معامله باید وجود داشته باشد، مثلاً حیازت مباحات، نیازمند قصد تملک است. نکاح بدون قصد و نیت به وجود نمی‌آید، کسی که با نیت مزارعه اشتباها عقد

مساقات ببندد عقد او باطل می‌شود، این روند در همه عقود و ایقاعات دیگر هم وجود دارد.

۳-۴- حسن نیت در امور جزایی

نیت امری است که از انسان در هر عمل ارادی قابل تفکیک نیست و کسی که بی اراده عملی انجام دهد احکام خاص خود را دارد که معمولاً عمل این دسته را نمی‌توان عمل دانست بلکه کار آنها یک واقعه حقوقی است مانند کسی که در خواب کسی را بی اراده می‌کشد و یا مجنونی که کسی را مورد ضرب و جرح قرار دهد. اما کسی که بر اساس اراده خود مرتکب جرمی می‌شود بنا بر نیت درونی خود که از ادله و شواهد و قرائن حاصل می‌شود یا جرمش عمدی می‌شود یا غیرعمد. فردی که جرمی مرتکب می‌شود بنا بر میزان سوء نیتش ممکن است نوع جرمش از لحاظ عمد و غیر عمد و یا خطای محض اثبات شود.

در چنین مواردی حسن نیتی وجود ندارد و یا اصلاً هیچ نیتی وجود ندارد اما چنانکه گفته شد سوء نیت ممکن است نسبت به فرد آسیب دیده وجود داشته باشد. عمل خطا از نظر شارع جرم محسوب نمی‌شود به دلیل اینکه خطاست و نمی‌توان عنوان جرم را نیز بر آن بار کرد چون جرم در اصطلاح قرآنی به معنای گناه است یعنی کسی که عملی را بر خلاف فرمان خداوند انجام بدهد. ولی کسی که عمل خطا انجام می‌دهد طبق این معنا جرمی مرتکب نشده است چون سوء نیت وجود نداشته تا بخواهد جرم محسوب بشود. (شوشتری، ۱۴۲۷: ۴۳/۲)

البته در برخی مواقع حسن نیت در امور جزایی خود را بیش‌تر نمایان کرده، مثلاً در جایی که کسی دیگری را به تصور اینکه مهدورالدم است بکشد قاتل را قصاص نمی‌کنند و نسبت به عمل او حسن نیت نشان می‌دهند. یا در زمانی که فرد مایعی نوشیده بدون اینکه بداند شراب است که در این صورت نیز او را حد نمی‌زنند و او را متهم به علم نسبت به عمل ارتكابی نمی‌کنند. البته این نوع از موارد دلایل سستی فقهی نیز دارند اما نمی‌توان اثر پندار نیک در مورد عمل فاعل در آنها را نادیده گرفت.

۴-۴- عوامل مؤثر بر انجام فعل

در متون عرفانی در راستای مشخص کردن جایگاه حسن نیت و نقش آن در انجام فعل، ابتدا عواملی که در انجام یک فعل دخیل هستند ذکر شده است. ابوحامد غزالی (وفات ۵۰۵ هـ ق) در احیاء علوم الدین، به بحث و بررسی حسن نیت و نقش آن در اعمال پرداخته است. با توجه به اهمیتی که این امر در تحقق اعمال دارد وی دربابی مجزا در ذیل کتاب ابنیه و الاخلاص و الصدق، به تبیین و توضیح نیز پرداخته است. این عوامل عبارتند از دانایی، اراده و قدرت. غزالی عین القضاة همدانی

(وفات ۵۲۵ هـ ق) نیز سه عامل را در انجام فعل مؤثر دانسته است: قدرت، اراده و علم. (عین القضاة، ۱۳۷۷: ص ۲۴) چنانکه عین القضاة اشاره کرده است حسن نیت در این میان، همان اراده است: «ارادت و نیت هر دو یک حکم و یک معنی دارد». (عین القضاة، ۱۳۷۷: ص ۲۴) ابویکر محمد کلابادی از حافظان حدیث و صوفیان قرن چهارم هجری (وفات حدود ۳۸۵) در التعرف لمذهب اهل التصوف، از نیت سخن گفته است. جایگاه حسن نیت از منظر وی در آینه ارزش و اهمیتی که برای اخلاص مطرح می‌کند آشکار می‌گردد. وی ضمن ذکر اقوال بزرگان در این باره، به لزوم پرهیز از مقاصد نفسانی در انجام فعل، توجه به خدا را در هر عملی توصیه کرده است. (کلابادی، ۱۴۱۲: ص ۱۶۲) وی به نقل از شیخ ابی یعقوب سوسی در خالص گردانیدن نیت می‌گوید: «عمل خالص آن است که نه ملک آن را بداند تا بنویسد و نه شیطان بداند تا آن را تباه کند و نه نفس بداند تا خودپسندی آورد. (کلابادی، ۱۴۱۲: ص ۱۱۶).

۴-۵- نسبت حسن نیت با عمل

چنانکه گفتیم نیت از عوامل دخیل در انجام فعل است. با توجه به رهنمودهای صریح عارفان، از میان عواملی که در انجام فعل ذکر شد - یعنی قدرت، نیت و علم - مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین نقش از آن نیت است. سخن زین الاسلام ابوالقاسم قشیری (وفات ۴۶۵ هجری قمری) در رساله قشیریه در زمینه حسن نیت از نخستین سطور رساله قشیریه آغاز می‌شود. وی پیران صوفیه را کسانی خوانده است که حسن نیت‌های خود را از بدعت نگه داشته‌اند و اصل نیت‌های خویش را به دلیل‌های آشکار و قوی محکم کرده‌اند. (قشیری ۱۳۷۹: ص ۱۳) ابوالحسن علی بن عثمان هجویری (وفات حدود ۴۷۰ هجری قمری) از مشایخ روزگار خود، در کشف المحجوب به بیان آداب و معانی و حقایق طریق معرفت پرداخته است. یکی از نکات مطرح شده در همان آغاز کتاب، مسأله حسن نیت است. وی با ذکر حدیثی از پیامبر صلی الله در باب نیت، ضمن آنکه حسن نیت انجام فعل را برتر از خود فعل شمرده است در اهمیت حسن نیت می‌گوید: «و نیت را اندر کارها سلطان عظیم است و برهان صادق؛ که بنده به یک حسن نیت از حکمی به حکم دیگر شود بی از آن که بر ظاهرش هیچ تأثیر پدیدار آید چنانکه یک چندی بی نیت روزه کسی گرسنه باشد وی را بدان هیچ ثواب نباشد و چون به دل حسن نیت روزه کند از مقربان گردد... پس حسن نیت خیرات اندر ابتدای عمل، گزاردن حق آن باشد». (هجویری، ۱۳۸۴: ص ۶) هر چند حسن نیت یکی از ارکان انجام فعل از منظر غزالی است اما مهم‌ترین رکن است چرا که وی حسن نیت را عماد عمل خوانده و خیر بودن عمل را در گرو آن دانسته است. (غزالی، ۱۴۱۹: ص ۱۱۲). عزالدین محمود کاشانی (وفات ۷۳۵ هجری قمری) در مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، لزوم توجه به نیت را در انجام فعل در جای‌جای

کتاب متذکر شده است. کاشانی، نیت را جان عمل خوانده و معتقد است چنانچه نیت از شوائب پاک گردد این حاکم بر دیگر اجزای عمل نیز جاری می‌گردد. (کاشانی ۱۳۸۹ صفحه ۲۱۲).

در ساحت دنیا، نیت پنهان است و چشم‌ها از درک آن ناتوان اما در جهان دیگر که حقیقت اعمال آشکار می‌گردد و هر کس به راستی آنچه را انجام داده است می‌یابد حقیقت اعمال که در گرو حسن نیت آن است مشخص می‌گردد و از این رو است که: «یحشر الماس سوم القیامه علی نیاتهم». چنانکه مصطفی - صلعم - خبر داده است؛ تو را و نیت تو حشر کنند... آن روز آشکارا گردد که کی مومن بود و کی مشترک، اعنی در ملت خلیل - صلعم - که بود و که نبود». (عین القضاة، ۱۳۷۷ ص: ۲۸).

۴-۶- حسن نیت

انگیزه‌ها و مقاصد گوناگونی، زمینه‌ساز انجام یک فعل است. برخی از اغراض و مقاصد، متعالی و روحانی‌اند و دسته‌ای دیگر چنین نیست. شیخ شهاب الدین ابو حفص عمر بن محمد سهروردی (وفات ۶۳۲ هجری قمری) در عوارف المعارف، دوری از هواهای نفسانی را در استحکام نیت راهگشا خوانده و بر آن است که «محکمی نیت آن باشد که از دواعی هواها نیت را پاک و صافی گرداند و دفع هواها و شهوت‌ها بکند تا خروج او خالصا لله تعالی باشد». (سهروردی، ۱۳۸۶ ص ۱۹۶).

وی در همین راستا سالک را به صدق و اخلاص فراخوانده و صدق و اخلاص را دو بال برای سیر و طیران رونده طریق معرفت برشمرده است. می‌توان در یک دسته بندی کلی و با توجه به آنچه صوفیه و اندیشمندان عارف، اشاره کرده‌اند انواع حسن نیت را در دو دسته کلی دینی و نیت دنیوی بررسی نمود.

۴-۷- حسن نیت دنیوی

حسن نیت دنیوی، نیت‌هایی هستند که حب دنیا در آنها منظور نظر است. زمانی که میل به دنیا محرک انجام عمل است حتی اگر نیتی الهی بر زبان جاری شود، این نیت زبانی، نقشی در تصحیح عمل نخواهد داشت. چنانچه فردی به نیت مال یا زن هجرت کند اما در دل بگوید نیت کردم هجرتم در راه خدا و رسولش باشد از آنجا که باعث انجام عمل، چیزی غیر از این بوده است چنین نیتی در شمار نیت دینی نخواهد بود. (عین القضاة، ۱۳۷۷ ص: ۷۰) ابوابراهیم مستملی بخاری از عارفان روزگار خویش، در شرحی بر التعریف کلابادی با آوردن سخنی از جنید ضرورت پیراستن نیت از غیر هم اشاره کرده است و چنین گفته است که: «هر عملی که بیاری که از آن عمل خدا را

خواهی اخلاص است و اگر از آن عمل جز خدا چیزی طلبی اخلاص نیست. پس تا هر دو کون و هر چه در دو کون است بنده از عمل برنگیرد عمل او به اخلاص نگردد.» (مستملی بخاری، ۱۳۷۳ ص: ۱۲۸۴) شیخ نجم الدین رازی در مرصاد العباد به مسأله نیت نیز توجه نموده است. وی انسان‌ها را به انجام فعل با نیت متعالی فراخوانده و طمع بهشت و بیم دوزخ را نیاتی دون خوانده است. در مرصاد العباد در نکوهش عملی که منظوری جز محبت الهی دارد آمده است: «عبودیت از بهر بهشت و دوزخ مکن چون مزدوران، بلکه بندگی ما از اضطرار عشق کن چون عاشقان...» (نجم الدین، ۱۳۵۲: ۹۷) نجم الدین رازی بارها و بارها خلوص نیت را متذکر شده و در توصیه‌های اخلاقی و عرفانی و انجام عمل به قصد قربت توصیه کرده است. (نجم الدین، ۱۳۵۲ ص: ۲۸۵ و ۲۸۴). عزیز الدین نسفی در کتاب الانسان الكامل خود توجه سالک را در طی طریق معرفت به نیت معطوف داشته است. عزیزالدین حتی سالک را از نیاتی چون طلب علم و یا اخلاق بر حذر داشته و بدین نکته تأکید کرده است که نیت سالک در مجاهداتش باید آن باشد که «آدمی» شود. وی نیت راست را زمینه ساز جاری شدن علم حضوری در دل برشمرده است. (نسفی، ۱۳۷۹: ۱۳۹) از منظر عزالدین کاشانی، پاداش اعمال، وابسته به نیت است و آنکه نیتی غیر از تقرب به حضرت ربوبیت دارد شایستگی مناجات و مکالمه با حق را ندارد و ابتدا لازم است طهارت کند و دل را از هر نیتی غیر حق پاکیزه سازد چرا که هر مطلوبی غیر از این در خاطر داشته باشد هر آنچه حاصل می‌کند عین مکر و استدراج بوده و سبب بعد و حماقت و دروغ. (کاشانی، ۱۳۸۹: ۵۶) بنابراین آنچه به راستی فرد را در ارتکاب عملی ترغیب می‌کند و به انجام آن وادار می‌سازد نیت او تلقی می‌شود. بدین ترتیب در انجام عبادت‌ها، اعمال نیک و رفتارهای ستوده نیز چنانچه مقصدی دنیوی و غیر الهی باعث انجام عمل گردد چنین نیتی در شمار نیات دینی نخواهد بود.

۸-۴- حسن نیت اخروی

هر چند حسن نیت دینی از شواهد دنیوی پاک و در شمار نیات ممدوح، خیر و پسندیده‌اند اما خود مراتبی دارند که هرکدام، ارزش و جایگاه متفاوتی دارد و اعمال با توجه به این مراتب، از کمال متفاوتی برخوردار می‌گردند. می‌توان این نیات را به دو دسته کلی تقسیم کرد؛ دسته اول، نیاتی که در آن برخوردار از نعمت‌های اخروی چون بهشت مقصود است. دسته دوم، نیتی که رضای پروردگار و عشق به منظور نظرات آنان که در پی نعمت‌های بهشت‌اند در زمره اهل صلاح (عین القضاة، ۱۳۷۰: ۶۴) محشور می‌شوند و از آن نعمت‌ها برخوردار می‌شوند و سعی شان مشکور است. اما آشنایان کوی حقیقت، چنین نیتی را در طریق معرفت الهی بر نمی‌تابند چراکه سالکان حقیقی، به طمع بهشت عبادت نمی‌کنند و جز دوست را نطلبند. «خدای تعالی گفت: سارعوا الی

مغفره من ربکم و جنه عرضها السموات و الارض» طامعان آنجا که فرموده بود دویندند لیکن بسیاری عاشقان گفتند: کجا روییم؟... بارخدا یا! طالبان تو کجا به بهشت قانع شوند؟» (عین القضاة، ۱۳۷۷: ۷۶) ابوابراهیم مستملی بخاری نکته باریکی در این باره ذکر کرده و تفاوت مخلص فتحه و مخلص کسره را چنان بیان نموده که مخلص کسره کسی است که خود را برای خداوند متعال خالص گردانیده است و مخلص فتحه کسی است که خداوند او را برای خویش خالص گردانیده است. (مستملی بخاری، ۱۳۷۳: ۱۲۸۵).

عزالدین محمود کاشانی آنجا که از آداب خلوت سخن گفته، نیت و شرایط آن را در مسیر برپا داشتن عمل راستین بر شمرده است و تلخیص نیت را نخستین شرط خلوت خوانده است: «شرط آن است که اول تلخیص نیت کند از شویب طلب اغراض دنیوی و اغراض اخروی، چه صواب اعمال برحسب نیت است هر چند که مقصودش از عمل، فاضل تر، ثواب آن فاضل تر و کامل تر. و شکی نیست که هیچ مقصود و مقصد از قرب حضرت عزت، افضل و اکمل نبود.» (کاشانی، ۱۳۸۹: ص ۱۱۸) وی نیت را مقصود عمل برشمرده و برترین مقصود را قرب حضرت عزت خوانده است. از منظر کاشانی، پاداش اعمال، وابسته به نیت است و آنکه نیتی غیر از تقرب به حضرت ربوبی ندارد شایستگی مناجات و مکالمه با حق را ندارد و ابتدا لازم است طهارت کند و دل را از هر نیتی غیر حق پاکیزه سازد چرا که هر مطلوبی غیر از این در خاطر داشته باشد هر آنچه حاصل می‌کند «عین مکر و استدراج بود و سبب بعد و حماقت و دروغ» (کاشانی، ۱۳۸۹: ۱۱۸).

از این رو متعالی ترین و برترین نیت از آن کسانی است که نه در پی دنیا هستند و نه طلب آخرت دارند بلکه هر چه می‌کند تنها به شوق پروردگار و به عشق او است. مخلصانی که «یریدون وجهه» صفت آنان است. چنانکه عین القضاة این کمال را از آن کسانی می‌داند که معرفت و عشق به جمال و جلال ازلی، جایی برای حب دنیا و آخرت در درون ایشان باقی نگذارده است. (عین القضاة، ۱۳۷۷: ص ۲۶) برخوردار از چنین نیتی، صفت واقعی عارفان و سالکان طریق حق است. هر چند همگان قادر به درک این کمال و معرفت نیستند و نیت هر کس فراخور علم او است و از آنجا که علم افراد متفاوت است مراتب کمال و صدق نیت ایشان نیز مختلف است.

۵- مقایسه

حسن نیت چنانکه آمد در علم اخلاق و در برابر خداوند یکی از ضروریات و مسائلی است که حتما و قطعا برای یک مسلمان واجب و حتمی است و مورد اهتمام. داشتن چنین حسن ظنی مورد دستور و تأکید بزرگان اخلاق قرار گرفته و ایشان گفته‌اند: حسن ظن خود را به حق کامل کن و اعتماد به فضل او نما. (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۲۲۷) این اصل در مورد تعامل با مردم نیز تا حد زیادی

صادق است. رفتار مسلمانان نسبت به یکدیگر باید طوری باشد که بدبینی و سوء ظن در میان جامعه ریشه ندواند و لذا امیر مؤمنان(ع) توصیه می‌کند که بر طبق خوشبینی دیگران رفتار کنید و اگر سایرین نسبت به شما حسن ظن دارند با رفتار خود به حس خوشبینی آنها لطمه نزنید و موجبات بدبینی آنان را نسبت به خویش فراهم نسازید. من انتجعک مؤملا فقد اسلفک حسن الظن بک فلا تخیب ظنه: هرکس در دل خود نسبت به تو احساس خوشبینی کرده و امید سود و منفعتی دارد مبادا با رفتار خود حسن ظن او را دگرگون سازی و خوشبینی‌اش را به زیان تبدیل کنی. (موسوی لاری، ۱۳۷۸: ۳۶)

چنین نگاهی به حسن نیت در علم اخلاق در فقه نیز موجود است اما تفاوت‌هایی در این میان موجود است. یکی این است که ما در علم اخلاق بی واسطه و به شکلی روشن تر با مفهوم حسن نیت مواجه بوده، اما این مواجهه با حسن نیت به شکلی غیر ملموس و با واسطه است به نحوی که شاید بسیاری را به این اشتباه بیندازد که فقه ما به اندازه اخلاق متوجه به حسن نیت نبوده در حالی که توقع ابتدایی این است که به علت انبعاث هر دو از دین اسلام به یک میزان هر دو توجه داشته باشد. این پندار، کاملاً صحیح و عقلانی است و چنین توقعی به این دلیل درست است که اگر معارف دین - بخصوص در دین اسلام که مدعی کمال است- متناقض باشد بنیان‌های معرفتی و اصول دین با یکدیگر تعارض پیدا کرده و بر هم می‌ریزد.

وقتی به صورت عمیق‌تری به برخی احکام به عنوان نمونه دقت کنیم به صورت بسیار واضحی می‌توان حسن نیت شارع مقدس را هماهنگ با تعاریف حسن نیت در اخلاق احراز کرد. برای مثال اصالت صحت در عمل اشخاص باعث می‌شود که اگر در صحت و فساد پرداخت خمس شک شود اصل را بر صحت بگذاریم و این حسن ظن است. (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۵: ۱۶۵/۲) و یا اباحه انتفاع در آیه اذن که میفرماید: لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخْوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخْوَالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكَتُمْ أَيْمَانُهُمْ أَوْ صَدِيقِكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعاً أَوْ أَشْتَاتاً فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتاً فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ.^۱ دلالت بر حسن ظن نسبت به دوست در تصرفات مالکانه است. (ترحینی عاملی، ۱۴۲۷: ۳۱۲/۵)

یکی از نمونه‌های بارز وجود حسن نیت، قاعده احسان است، درباره قاعده احسان گفته‌اند:

کسی که عمل خسارت باری انجام می‌دهد در صورت ورود خسارت به دیگری ضامن است. برای مثال، اگر ولی یا قیم عملی انجام دهد که موجب ورود خسارت به صغیر شود طبق اصل اولی ضامن خواهد بود. ولی بنابر مفاد این قاعده، اگر این عمل با حسن نیت و با اعتقاد به اینکه موجب خیر صغیر است انجام شده باشد و به طور اتفاقی موجب زیان شود ضامن آور نیست. برای نمونه، اگر قیم یا ولی اقدام به انتقال کالای متعلق به صغیر از طریق کشتی کند و به طور اتفاقی کشتی در دریا غرق شود این عمل ضامن آور نیست زیرا از روی احسان بوده و غرق، سرقت و امثال آن امور اتفاقی محسوب می‌شود. (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۲/۲۹۹ و ۳۰۰) همچنین در مواردی مانند مهلت دادن به معسر اخلاقی بودن و حسن نیت مشهود است. همچنین است در اثبات تمام حدود الهی که برای اثبات آنها مانند زنا و یا سرقت با آوردن شروط بسیار علاوه بر سختگیری در اثبات به نوعی در تلاش است که سوءنیت را نسبت به مسلمین بزدايد و حسن نیت به آنها را تقویت کند. برخی نیز امثال حسن ظن به انجام فعل و یا عدم توجه به انجام یا عدم انجام فعل در ضمن نماز و حمل آن بر صحت را نه به خاطر رعایت اخلاق، بلکه به دلیل جریان سیره متشرعه می‌دانند. (بحرانی، ۱۴۲۳: ۳۰۹/۱) که البته ممکن است همین سیره متشرعه نیز از اخلاق منشعب شده باشد.

اما علم اخلاق نیز با همه ملایمت درونی که دارد و با وجود تمام تأکیداتی که بر ضرورت حسن نیت دارد در مورد حسن نیت در برخورد با افراد جامعه قائل به استثنائاتی شده است. در این مورد گفته‌اند: نباید فراموش کرد که حسن ظن در شرایطی درست است که در جامعه صلاح بر فساد غالب باشد ولی در اجتماعی که اکثر افراد آن اهل فسادند- یعنی فساد بر صلاح غلبه دارد- خوش بینی و حمل بر صحت بی‌مورد است. در این گونه جوامع باید با عینک بدبینی نظر کرد و چنانچه بدون اتکا به محمل قابل قبول و معتبر، کارهای مردم را توجیه و تصحیح کنیم خود را فریب داده‌ایم. امیر المؤمنین علیه السلام فرموده است: هنگامی که صلاح و نیکی زمانه و مردم آن را در بر گیرد در چنین شرایطی اگر کسی گمان بد به دیگری ببرد که از او گناهی آشکار نشده است بی‌تردید به او ستم کرده است. اما هنگامی که فساد بر زمان و اهل آن فراگیر شد هر کس به دیگری گمان خوب ببرد قطعاً خود را فریب داده است. و از امام هادی علیه السلام نیز آمده است: هنگامی که عدالت بر جور و ستم غالب باشد حرام است به کسی سوء ظن ببری مگر آنکه بدانی که فلان کار زشت را انجام داده است و زمانی که جور و ستم بیش از عدل و داد باشد کسی حق ندارد به دیگری گمان خوب ببرد مگر در صورتی که خوبی وی کاملاً مشهود و آشکار باشد. (مهدوی‌کنی:

اخلاق اگر بخواهد با تسامح و ملایمت و حسن ظن نسبت به هر مسأله برخورد کند نظم جامعه بر هم می‌خورد. سختگیری فقه در این موارد تنها مختص به زمانی نیست که جامعه از سلامت اخلاقی مناسبی برخوردار است بلکه واکنش فقه، همه زمان‌ها را در برمی‌گیرد زیرا کارکرد فقه با کارکرد اخلاق متفاوت است. در واقع شاید علم اخلاق در مواردی خاص قوانین عام خود را تخصیص زده و دستور به عمل برخلاف آنها بدهد اما فقه با همه پابندی به مقررات کلی و توصیه‌های اخلاقی، به علت اینکه متکفل نظم بخشیدن به زندگی همه آحاد جامعه - حتی کسانی است که شاید اصلاً اعتقادی به اخلاق ندارند- باید به صورت سختگیرانه و بدوت انعطاف‌تر برخورد کند.

در عقود نیز، فقه با نیت درونی فرد کاری ندارد و آن را اصلاً از ارکان عقد نمی‌داند مگر اینکه خود اظهار کند که سوء نیتی برای انجام عقد یا ایقاع دارد مثلاً حتی اگر چاقو را بخرد برای اینکه آدم بکشد تا وقتی این انگیزه خود را ابراز نکرده است معامله با او اشکال ندارد. چنانکه گفته شده: در عقود نیت لازم است اما حسن نیت لازم نیست و معامله بدون حسن نیت نیز سرمی‌گیرد. (شیرازی، ۱۴۱۹: ۲۲۸) حتی در عبادات نیز حسن نیت شرط صحت عمل عبادی نیست بلکه وجود نیت صرف را کافی می‌دانند.

۵- نتیجه گیری

بر خلاف آنچه که در میان برخی نوشته‌های حقوقی دیده می‌شود وجود حسن نیت امری نیست که در حقوق غرب به وجود آمده باشد و اکنون به ما رسیده باشد بلکه حسن نیت یک معرفت عمیق در مجموعه معارف دین اسلام است که به جهت رنگ و بوی اخلاقی آن، به صورت مستقیم در علم اخلاق مطرح شده و به صورت غیر مستقیم در بسیاری از احکام فقهی و حتی دیگر شاخه‌های علوم دینی وجود دارد و مخالفت برخی احکام فقهی با حسن نیت، به دلیل مخالفت با اصل حسن نیت نیست بلکه بر اساس تجربه عقلانی و در واقع حکم عقل است که در روابطی که با منافع مردم ارتباط دارد باید حسن نیت را کنار گذاشت و برای حفظ مصالح مردم بدون هیچ اغماض و انعطافی وارد عمل شد، در واقع می‌توان گفت شریعت اسلام اگر در مغایرت با معارف دینی دیگری از دین چون مسائل اخلاقی باشد این مسأله موجب تناقض در معارف دین می‌شود که از نظر کلامی نیز چنین چیزی محال است.

منابع و مأخذ:

- ۱- صحیفه سجادیه، (۱۳۸۶)، مترجم: خلجی، قم، صحیفه خرد.
- ۲- آقاجمال خوانساری، (۱۳۶۶)، شرح بر غُرر الحکم و دُرر الکلم، ج ۳، تهران، دانشگاه تهران.
- ۳- أبشیهی، (۱۹۹۹)، المستطرف فی کل فن مستطرف، مصحح: سعید محمد اللحام، بیروت، عالم الکتب.
- ۴- ابن عبدالبر، (۱۹۸۱)، بهجة المجالس و أنس المجالس، مصحح: محمد مرسى الخولى، ج ۲، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۵- ابن عربشاه، (۱۴۲۱)، فاکهة الخلفاء و مفاکهة الظرفاء، مصحح: ایمن عبدالجبار البحرى، قاهره، دارالافاق العربیه.
- ۶- ابن فارس، (۱۴۰۴)، معجم مقائیس اللغة، ج ۲، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ۷- ابن فهدحلی، (۱۳۷۵)، آیین بندگی و نیایش: ترجمه عدۀ الداعی، مترجم: حسین غفاری، قم، بنیاد معارف اسلامی.
- ۸- امام خمینی، (۱۳۸۷)، شرح چهل حدیث، قم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۹- امامی، سید حسن، (بى تا)، حقوق مدنی، ج ۱، تهران، انتشارات اسلامیه.
- ۱۰- بحرانی، حسین، (۱۳۷۹)، سلوک عرفانی در سیره اهل بیت (ع)، قم، وثوق.
- ۱۱- بحرانی، محمد سند، (۱۴۲۳)، سند العروة الوثقی - کتاب الحج، ج ۱، بیروت، مؤسسه أم القرى.
- ۱۲- بهرامی احمدی، حمید، (۱۳۶۶)، سوء استفاده از حق، تهران، موسسه اطلاعات.
- ۱۳- بونی، (۱۴۲۷)، شمس المعارف الكبرى، بیروت، النور.
- ۱۴- ترحینی عاملی، سیدمحمدحسین، (۱۴۲۷)، الزیادة الفقهیة فی شرح الروضة البهیة، ج ۵، قم، دارالفقه.
- ۱۵- جوهری، (۱۴۱۰)، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، ج ۵، بیروت، دار العلم للملایین.
- ۱۶- حمیری، (۱۴۲۰)، شمس العلوم و دواء کلام العرب من الكلوم، ج ۱۰، بیروت، دارالفکر المعاصر.
- ۱۷- خوانساری، سیداحمد، (۱۴۰۵)، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، ج ۳، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
- ۱۸- دراز، محمد عبدالله، (۱۳۸۷)، آیین اخلاق در قرآن، مشهد، به نشر.
- ۱۹- راغب اصفهانی، (۱۴۱۲)، مفردات ألفاظ القرآن، لبنان و سوریه، دارالعلم و الدار الشامیة.
- ۲۰- روحانی، سیدمحمد، (۱۴۱۳)، القواعد الفقهیة (متقی الأصول)، ج ۷، قم، چاپخانه امیر.
- سهروردی، محمد، (۱۳۸۶)، عوارف المعارف، ترجمه ابو منصور اصفهانی، به اهتمام: قاسم انصاری، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- ۲۱- شوشتری، سید محمد حسن مرعشی، (۱۴۲۷)، دیدگاه‌های نو در حقوق، ج ۲، تهران، میزان.
- ۲۲- شهید ثانی، (۱۳۷۷)، مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة منسوب به امام جعفر صادق (ع)، مترجم: گیلانی، تهران، پیام حق.

- ۲۳- شیخ حرعاملی، (۱۴۱۲)، هداية الأمة إلى أحكام الأئمة - منتخب المسائل، ج ۳، مشهد، مجمع البحوث الإسلامية.
- ۲۴- شیرازی، سید محمد، (۱۴۱۹)، الفقه، القانون، بیروت، مرکز الرسول الأعظم (ص).
- ۲۵- صاحب بن عباد، (۱۴۱۴)، المحيط فی اللغة، جج: ۲ و ۱۰، بیروت: عالم الكتاب.
- ۲۶- صدر، رضا، (۱۳۷۹)، تفسیر سوره حجرات، قم، حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۲۷- صدر، سید محمد، (۱۴۲۰)، ماوراء الفقه، ج ۲، بیروت، دار الأضواء.
- ۲۸- فیض علیرضا، (۱۳۶۹)، مبادئ فقه و اصول، تهران، دانشگاه تهران.
- ۲۹- فیض کاشانی، (۱۳۸۷)، ترجمه الحقائق، تهران، مدرسه عالی شهید مطهری.
- ۳۰- -----، (۱۳۷۱)، ده رساله محقق بزرگ فیض کاشانی، اصفهان، مرکز تحقیقات علمی و دینی امام امیرالمومنین علی (ع).
- ۳۱- -----، (۱۳۷۲)، راه روشن: ترجمه کتاب المحجة البيضاء فی تهذیب الإحیاء، ج ۷، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی.
- ۳۲- فیومی، (بی تا)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، ج ۲، قم، منشورات دارالرضی.
- ۳۳- عین القضاء همدانی، عبدالله، (۱۳۷۷)، نامه های عین القضاء همدانی: جلد ۱، ۲ و ۳، به اهتمام: علینقی منزوی و عقیف عسیران، چاپ اول، تهران: اساطیر.
- ۳۴- غزالی، محمد، (۱۴۱۹)، احیاء علوم الدین، حلب: دارالکتاب الاسلامی.
- ۳۵- کلابادی، ابوبکر محمد، (۱۴۱۲)، التعرف لمذهب اهل التصوف. القاهرة، المكتبة الازهریه.
- ۳۶- کاشانی، عزالدین محمود، (۱۳۸۹)، مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة، مقدمه: عفت کرباسی و محمدرضا برزگر خالقی، تهران: زوار.
- ۳۷- کاشف الغطاء، علی، (۱۳۸۱)، النور الساطع فی الفقه النافع، ج ۲، نجف، مطبعة الآداب.
- ۳۸- کلینی، (۱۳۷۵)، اصول کافی، مترجم: کمره ای، ج ۴، قم، اسوه.
- ۳۹- مجلسی، محمدباقر، بی تا، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع)، ج ۶۷، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۴۰- محقق داماد، سید مصطفی، (۱۴۰۶)، قواعد فقه، ج ۲، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
- ۴۱- مختاری، رضا - صادقی، محسن، (۱۴۱۹)، غنا، موسیقی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ۴۲- موسوی بجنوردی، سید محمد، (۱۴۰۱)، قواعد فقهیه، ج ۲، تهران، عروج.
- ۴۳- موسوی لاری، سید مجتبی، (۱۳۷۸)، بررسی مشکلات اخلاقی و روانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ۴۴- مهدوی کنی، محمدرضا، (۱۳۸۴)، نقطه های آغاز در اخلاق عملی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

- ۴۵- میرزاباشیرازی، (۱۳۶۳)، *مناهج أنوار المعرفة فی شرح مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة*، ج ۲، تهران، خانقاه احمدی.
- ۴۶- میرزای قمی، (۱۴۱۳)، *جامع الشتات فی أجوبة السؤالات*، ج ۱، تهران، کیهان.
- ۴۷- مستملی، بخاری، ابوابراهیم، (۱۳۷۳)، *شرح التعرف لمذهب التصوف*، با مقدمه و تصحیح: محمد روشن، تهران: اساطیر.
- ۴۸- نجم الدین، نسفی، عزیزالدین، (۱۳۷۹)، *الانسان الكامل*، با تصحیح و مقدمه: ماریژان موله و ترجمه: سید ضیاء الدین دهشیری، تهران: طهوری.
- ۴۹- نجم الدین رازی، (۱۳۵۲)، *مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد*: اهتمام: حسین حسینی نعمت اللهی، مجلس.
- ۵۰- ناشناخته، (۱۳۴۱)، *تحفه، در اخلاق و سیاست*، مصحح: محمد تقی دانش پژوه، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۵۱- نراقی، احمد، (۱۳۷۸)، *معراج السعادة*، قم، هجرت.
- ۵۲- نراقی، مولی محمد مهدی، (۱۴۲۵)، *أنیس التجار*، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ۵۳- ورام، (۱۳۶۹)، *مجموعه ورام: آداب و اخلاق در اسلام*، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- ۵۴- هاشمی شاهرودی، سید محمود، (۱۴۲۵)، *کتاب الخمس*، ج ۲، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
- ۵۵- هجویری، ابوالحسن، (۱۳۸۴)، *کشف المحجوب*، مقدمه: محمود عابدی، تهران: سروش.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

Good Faith Attribution in Imamia Jurisprudence and Islamic Mysticism

Ahmad Bagheri, PhD, Full Professor, Fiqh and Principles of Law, Tehran University, Alborz Campus, corresponding author

Hossein Davarzani, Assistant Professor, Fiqh and Principles of Law, Tehran University, Alborz Campus

Mohammadreza Shojaee, Student, Fiqh and Principles of Law, Tehran University, Alborz Campus

Abstract

Good faith is a vague concept in our time, which is an ethical and emphasized. But the lack of accurate knowledge and the absence of clear boundaries, has caused its location not to be known, and its position in jurisprudence is unknown and the relation between the two is unknown. The entry of widespread good faith topics that related to good ethics and public order. This article seeks to answer the ambiguities in this regard.

Keywords

Good faith, Ill will, Good ethics, Public order.